



10 اپریل 2020

داکتر سید عبدالله کاظم

## تبصره های فیسبوکی در این چند روز از این قلم

از مدت تقریباً یک ماه میشود که کشورهای جهان با معضله کووید - 19 مواجه اند و این پدیده شوم بزرگترین صدمه را به نظم جهانی بطورکل وارد کرده که تأثیرات منفی آن چه مستقیم و چه غیرمستقیم بر ساحات مختلف اجتماعی - اقتصادی بزودی از میان نخواهد رفت. درحالیکه جهان تنها با همین نوع "کرونا" مواجه است، اما افغانستان در عین زمان با سه کرونا مجبور به مبارزه است: کرونای نوع کووید - 19، کرونای طالبانی و فشارهای وارده و تهدیدهای حاکمانه از جانب ایالات متحده امریکا بر دولت افغانستان تا به آنچه در موافقتنامه بین امریکا و طالبان درج گردیده، سر تسلیم بگذارد و بالاخره کرونای سیاسی ناشی از انتخابات ریاست جمهوری که این کرونا در واقع مولود کرونای نوع دوم طالبانی است که به حیث وسیله فشار به نحوی دامن زده میشود. در این راستا بحث های داغ و بعضاً ضد و نقیض در رسانه های افغانی در داخل و خارج کشور و حتی در مطبوعات بین المللی هرروز به نشر میرسند. فیسبوک یکی از این وسیله ها است که افغانها به آن بیشتر سروکار دارند.

یکی از دوستان در این شرایط قرنطین تلفونی از من احوال گرفت و گفت پریشانت بودم، زیرا در این یکی دو هفته ترا از افغان جرمن آنلاين غایب یافتم. نگرانی این دوست عزیز بجا بود، چون در این روزها جر و بحث ها فیسبوکی مرا طوری به خود مصروف ساخته است که حتی در یک روز دو سه تبصره نسبتاً طولانی را ناگزیر در مسایل داغ وطن به نشر سپرده ام. اینک به درخواست آن دوست عزیز که خواننده دایمی این پورتال است و به فیسبوک دسترسی ندارد، میخوام غیابت خود را در این پورتال وزین با نشر چند تبصره فیسبوکی خود جبران کنم:

### فیسبوک، 9 اپریل 2020 از این قلم:

اخیراً پروفیسور بارنت روبین افغانستان شناس امریکائی که سالهاست به حیث یکی از مشاوران برجسته در امور افغانستان به ادارت عالییه امریکائی مشوره های لازم به نفع افغانستان داده است و اینجانب همیشه مقالات و نوشته های او را خوانده و از نظریات نیک او آگاه هستم، اخیراً در باره بحران سیاسی جاری در افغانستان ابراز نگرانی کرده و با ذکر مثال های تاریخی گفته است که افغانستان از سالهای متمادی با اخذ کمک های مالی خارج توانسته گام های مثبت به پیش بگذارد و اما به مجرد قطع کمک های خارج، وضع کشور بی ثبات شده و هرج و مرج و سقوط رژیم ها به وجود آمده است. اگر از ذکر مثالهای او در گذشته بگذریم، به نظر او قطع کمک های امریکا به افغانستان بار دیگر تاریخ را در افغانستان تکرار خواهد کرد.

قابل توجه اینست که او دلیل قطع کمک های امریکا به افغانستان را ناشی از شیوع جدی فاجعه کووید - 19 در امریکا میداند که به سرعت اقتصاد این کشور را در حالت بحرانی قرار داده و اینکار امریکا را ناگزیر خواهد ساخت تا از کمک های خود به افغانستان به شدت بکاهد و در اثر آن

د پانو شمیره: له 1 تر 9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

افغانستان که بیشترین منبع تمویل امور نظامی آن از طریق این کمک ها صورت میگیرد، با بحران شدید مالی گرفتار شود و رژیم موجود در آستانه سقوط قرار گیرد.

تا اینجا نظر آقای روبین بجا است و اما نکته مهم در اینست که موصوف برای رهائی از این مشکل به موضوع جور آمد اشرف غنی و عبدالله بر سر تشکیل یک حکومت به اصطلاح همه شمول تأکید میکند و این همان خواست امریکا است که به شدت بر رئیس جمهور غنی فشار می آورد و حتی بر علاوه تهدید تقلیل کمک ها از خروج کامل قوای عسکری خود از افغانستان صحبت میدارد و دلیل فشار آنها در واقع همانا گردن نهادن دولت افغانستان به شرایط مندرج موافقتنامه امریکا با طالبان است. در حالیکه آقای روبین دلیل تقلیل و یا قطع کمک امریکا به افغانستان را همانا تشدید کوید-19 در امریکا میداند، اما توصیه او بکلی بیک سمت دیگر میروید. فرض کنیم این دو توانستند بین خود به تفاهم برسند و بار دیگر حکومت دوسره را تشکیل دهند، آیا چنین کار میتواند کمک امریکا به افغانستان را به حالت قبلی آن برگرداند یعنی در صورت توافق آنها کمک دوباره بسویه که برای حفظ نظام ضروری باشد، ادامه پیدا کند؟ در حالیکه دلیل قطع و یا تقلیل جدی کمک ها مربوط به وضع اقتصاد امریکا است که شاید پس از رفع کرونا برای یک مدت طولانی تر دچار بیموازنگی جدی باشد، پس پیوند آن با موضوع تشکیل حکومت دوسره از برای چه خواهد بود؟ اینجاست که تشخیص و تدای به دو سمت متفاوت جولان می یابند.

در اینجا متأسفانه نظر آقای روبین مواجه بیک تناقض میشود، زیرا او از یکطرف دلیل اصلی تقلیل کمک برای افغانستان را ناشی از بحران تشدید کرونا در امریکا میداند و خطر سقوط نظام را در افغانستان پیشبینی میکند و اما از طرف دیگر رفع بحران را موقوف به شرایط تفاهم بین دو رقیب به شکل حکومت دو سره می سازد که ولو عملی گردد، مشکل کمبود کمک ها را جبران کرده نمیتواند. بهر حال باید علاوه کرد که چون تشکیل حکومت دوسره موجب مشکلات بیشتر در افغانستان میشود، لذا بهتر است امریکا برای حفظ ثبات نسبی بکوشد داکتر عبدالله را از جدال قدرت به شکل حکومت دوسره منصرف کند و به آنچه برطبق قانون اساسی افغانستان باشد، بر همکاری او با حکومت وارد سازد. امریکا اکنون با بازی کردن دو نقش افغانستان را بیشتر به بی ثباتی می کشاند و این بی ثباتی با خروج عساکر شان بیک بحران جدی در منطقه تبدیل میشود و بر ناکامی قطعی امریکا برای بار دوم پس از ویتنام به حیثیت بین المللی امریکا صدمه شدید وارد خواهد کرد.

**فیسبوک، 8 اپریل 2020 از این قلم:**

کسی مانع خروج امریکائی ها از افغانستان شده نمیتواند، وقتی خود شان برای خروج کامل تصمیم بگیرند، ولی این سؤال باقی می ماند که چرا آمدند و چرا میروند؟ از آمدن شان تا رفتن شان چه سودی به حال ما وارد شد؟ خود آمدند و خود میروند و آنچه با خود آوردند علاج درد مردم مظلوم افغانستان نبود، بلکه پروریدن یک تعداد شکارچیان ماهر قدرت و چپاول بود که مثل جوک عادت به چوشیدن خون دارند و همین ها تا اکنون از این راه خود شان، وابستگان شان حمایتگران شان فربه و چاق شده اند. کاش به صدای کسانی گوش میدادند که در همان چند سال اول فریاد زدند که راه غلط در پیش گرفته شده است و هنوز تا دیر نشده در پی اصلاح آن باشند. خوشحالم که یکی از این ها این کمترین بوده است که در ماه جون 2007 طی دوازده صفحه نامه ای سرگشاده نوشتم و به آقای کرزی رئیس جمهور وقت رسماً فرستادم (به وسیله سفیر آقای سید طیب جواد)، نه تنها کرزی از وصول آن نامه به من اطمینان نداد، بلکه اصلاً شاید به مطالعه آن ارزشی قایل نشد. اما برای من

د پانو شمیره: له 2 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

اکنون یک دست آویز مهم است که آنوقت یعنی 13 سال قبل عرایض خود را تقدیم مقام کردم که متأسفانه بجائی نرسید. به هر حال امروز که امریکائی ها عزم رفتن دارند، میکوشند دوباره کسانی را رویکار آورند و بقدرت برسانند که آنروز با آمدن خود آنها را فراری ساخته بود. لذا نتیجه این 19 سال برگشت به همان حالتی خواهد بود که قبل از آمدن شان بر افغانستان حاکم بود و حتی این بار همچو برگشت خیلی خطرناکتر از آنوقت خواهد بود. امریکائی ها به قرار داد با طالبان خود را فریب میدهند که گویا آنها تعهد کرده اند که از حملات تروریستی در امریکا اجتناب خواهند کرد، اما این تعهد همه طالبان نیست، فقط یک تعداد محدود آنها در ذیل این موافقتنامه امضاء کرده اند و باقی هنوز هم به ضدیت خود علیه امریکا ادامه میدهند و بسیار احتمال دارد که آنها دستار های سفید خود را به دستار سیاه داعش تبدیل نمایند. اما باور براینست که عمر این موافقتنامه طولانی نخواهد بود و بزودی نقش بر آب خواهد شد.

### فیسبوک، 8 اپریل 2020 از این قلم:

جای شک نیست که امریکائی ها در این 19 سال دو تریلیون دالر در افغانستان تخصیص دادند(ولی همه را در افغانستان به مصرف نرساندند) و بیش از 2600 جوان امریکائی در جنگهای افغانستان کشته شدند، ولی با رویکار آوردن حکومت های فاسد و در اثر بی توجهی و اقدامات نامناسب به حال افغانستان این همه پولها بجای آنکه در خدمت مردم و برای انکشاف سالم افغانستان به مصرف برسند، برعکس زمینه های فساد اداری، رشوت، بیعدالتی و فقر را بیشتر از پیش فراهم ساخت. مردم امریکا باید از سیاسیون خود بپرسند که شما در افغانستان با این همه پول و قربانی چه دست آورد داشته اید؟ آیا مسئول ناکامی ها صرف حکومت های فاسد بوده که خود شما آنها را برشانه های مردم سوار کردید؟ آیا نظام سیاسی بنام دموکراسی را میتوان توسط جنگ سالاران که همه گماشته خود شما در افغانستان بوده اند، براه انداخت و از آن حاصل مناسب برداشت؟ یا اینکه این دموکراسی وارد شده در دست جنگ سالاران که امریکائی ها از آنها حمایت کردند و هنوز هم حمایت میکنند، میتواند حاصلی به جز انارشی را بار آورد؟ سیگار هر موقع سخن از نا پدید شدن پولهای کمکی می زند، آنهم وقتیکه بسیار دیر شده و جوابی برای آن یافته نمیتواند؟ آیا لازم نبود که پولهای کمکی را همزمان با کنترل دقیق صورت مصرف آن در اختیار می گذاشتید؟ هنوز دقیقاً معلوم نیست که اندازه این مبلغ درشت که به نام کمک به افغانستان اختصاص داشته، دوباره توسط خود آنها به اشکال و انواع مختلف دورباره بیرون کشیده شده و اما حساب بر بر دوش ملت افغانستان به حیث گیرنده کمک درج شده است؟ چقدر این پولها برای مصارف نظامی خود امریکائی ها در راه مبارزه و جنگ علیه طالبان به مصرف رسید؟ بلی! طالبانی که امروز زیر بال امریکائی ها پرورده میشوند و باز در آستانه رسیدن به قدرت توسط امریکائی ها قرار دارند.

گفته میشود حکومت های فاسد، بلی! درست است، اما این حکومت های را کی به وجود آورد؟ نصب کرزی برای 13 سال در کشور حاصل دست کی و خواست کی بود؟ آیا حامد کرزی شایستگی رسیدن به آن مقام را در کشوری داشت که از نهاد به ویرانه تبدیل شده بود؟ کرزی - شخص ضعیف و دست پرورده را برای آن بقدرت آوردند تا در برابر صاحب اختیار کل ویسرای مغرور خلیلزاد حرفی گفته نتواند یعنی در ظاهر نام از کرزی و کام از خلیلزاد بود. نظام اقتصادی بازار آزاد را برای کشوری که نه در آن متشبهت خصوصی، نه قانون، نه زیر بنای اقتصادی و نه اداره و سیاست اقتصادی حکمفرما بود، چه میتوان گفت جز یک برنامه ناکام و زمینه ساز چور و چپاول و غارت کمک ها به دست خارجی های و کمیشن کاران داخلی شان. قیر ریزی سرک کابل قندهار که با عالم

د پانو شمیره: له 3 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

پول صورت گرفت یک پروژه نمایشی بود که به منظور تبلیغ و دست آورد بزرگ کمک تمام وسایل آن به شمول قیر و غیره توسط طیاره به افغانستان وارد شد برای آنکه آقای بوش رئیس جمهور انوقت امریکا آنرا افتتاح کند.

گرفتن پروژه ها بوسیله قراردادی های زورمند و سپس دست بدست گشتن آن با اخذ کمیشن ها بالاخر بدست کسانی افتاد که نه کفایت مسلکی و تخنیکی برای آن داشتند و نه در نهایت پولی برای انجام مطلوب کار، زیرا پولهای بیشتر را کمیشن کارها قبلاً ربوده بودند. میگویند ترمیم چقری سرک ها را در آخرین مرحله بجای قیر با "کاهگل" انجام دادند و هیچ کنترولی بر نتیجه کار وجود نداشت و طوریکه دیده شد بسیار پروژه در اولین برف و باران سال به مخروبه تبدیل شدند. کمپنی های ساختمانی خارجی پولها پروژه ها را گرفتند و اما پروژه ها را نیمکاره گذاشتند و فرار کردند و بازخواستی صورت نگرفت.

خلاصه صد ها موضوع دیگر وجود دارد که بیشتر مسئولیت آن بر میگردد به کسانی که بوسیله امریکائی ها بقدرت رسانیده شدند و بر خود امریکائی ها به دلیل عدم مراقبت جدی از ارسال کمک ها و حمایت از جنگ سالاران و چپواگران که این ها همه موجبات ناکامی آنها را در افغانستان به وجود آورد و موجب ادامه اوضاع تا اکنون گردید و حالا میگویند که افغانها اگر حکومت همه شمول نسازند، ما عساکر خود را خارج میکنیم. مردم امریکا باید از سیاسیون خود بپرسند که چرا این همه پولها را به هدر دادند و چرا نتیجه آن ناکامی در افغانستان بود؟ امروز شخصی که میخواهد برای افغانستان کاری کند، شما او را با وارد کردن فشار های سراسیمه ساخته اید و میکوشید مسئولیت همه ناکامی ها را بردوش ملت افغانستان بیندازید.

### فیسبوک، 8 اپریل 2020 از این قلم:

بعضی ها با اشتراک تیم ثبات و همگرایی در قدرت از تشکیل مجدد یک حکومت دو سره حمایت میکنند تا با اینکار جبهه متحد در برابر طالبان تشکیل گردد. چگونه میتوان از تشکیل یک جبهه واحد در مقابل طالبان سخن گفت و به آن امیدوار بود، در حالیکه یکی از عوامل تشدید مزید بحران موجود در کشور موجودیت همین دو قطب قدرت میباشد. آیا همکاری واقعی بین آنها با در نظر داشت این کشمکش ها میسر و عملی بوده میتواند؟ به نظر من تشکیل همچو حکومت دوسره تجربه ناکام پنج سال گذشته بوده، نه تنها در برابر طالبان موجب ایجاد یک موقف قوی نمیشود، بلکه با این تضاد درونی عمیق، طالبان میتوانند به سهولت آب را خت کرده و از آن ماهی بگیرند. جناح عبدالله همین حالا میلان بسوی خواسته های طالبان و در نهایت پاکستان نشان داده است. کاش تیم او از یک هماهنگی فکری برخوردار می بود که نیست و هریک با اجندا های مختلف محض به هدف تشکیل یک جبهه در برابر اشرف غنی باهم شریک شده اند، نه روی یک خط مشی همه جانبه برای حل مشکل افغانستان.

دلیل عمده سماجت عبدالله برای اشتراک در قدرت، همانا حفظ موقف گویا "جهاد و مقاومت" است که زیر این نام آنها میکوشند همیشه خود را در قدرت شریک سازند تا منافع گروهی و شخصی خود را برای همیشه حفظ نمایند و آنرا به پسران خود انتقال دهند تا نسل به نسل بنام جهاد و مقاومت بر شانه های مردم سوار باشند. من از اشرف غنی به این دلیل حمایت میکنم که او میکوشد سد راه این میراث خواران مدام العمر "جهاد و مقاومت" گردد و مردم را از شر آنها خلاص کند و به نسل جوان فارغ

از وابستگی‌ها معموله کنونی محض به حیث فرزندان یک ملت واحد زمینه فعالیت و خدمت به وطن و مردم را مهیا سازد.

اینجاست که "سیاسیون" نام نهاد برعلیه اشرف غنی زیر نام فاشیست غیره دست به تبلیغ میزنند و به بهانه تقلب در انتخابات میکوشند به هر وسیله ممکن خود را در قدرت بچسبانند تا از صحنه سیاسی کشور بیرون نشوند. امریکا نیز میخواهد برای رسیدن به اهداف خود بازی دو گونه را بین این دو قطب متضاد پیش ببرد و یکی را بوسیله دیگر کنترل نماید، کاریکه در طول سالهای جهاد و از آنوقت تا امروز در پیش داشته است. در جهاد نیز کوشیده شد تا از طریق اعمال نفوذ پاکستان بجای حمایت از تشکیل یک جبهه واحد ملی - اسلامی برعکس تنظیم های هفت گانه را زیر نظر و امر پاکستان به وجود آورند و یکی را آنقدر بجان دیگر اداختند که هریک آنها بیشتر از آنکه به دشمن حمله کنند، یکی بر دیگر حمله کردند و یکی دیگر خود را کشتند. امروز باز هم به شکل دیگر ادامه همان کار است که میکوشند بجای حمایت از یک حکومت قوی، قدرت را بین گروپ های متخاصم تقسیم کنند.

اکنون بار دیگر همان بازی را در پیش گرفته اند تا با اشتراک طالب در قدرت، معمای لاینحل یک معادله سه مجهوله را بار آورند. امید میکنم مردم ما، بخصوص جوانان آگاه منافع طویل المدت مردم و وطن در نظر گیرند و از شعله ور شدن آتش 1992 در کشور جلوگیری کنند. دوران جهاد و مقاومت از دو دهه بدینسو به پایان رسیده، ولی مفت خوران و قدرت طلبان که خود را زیر نام پیروان آن جا زده اند، هنوز هم در دهل دو سره آنرا به نفع خود و اخلاف خود می کوبند و یک عده بدون آنکه عمق معضله را درک کنند، فقط به ظواهر آن چسبیده و یا اگر از عمق آن آگاه اند، محض بروی علایق شخصی در این بازی آتش افزا هیزم بیشتر می پاشند.

### فیسبوک، 7 اپریل 2020 از این قلم:

از مدتها بدینسو باور داشته ام که امریکا به دلایل متعدد افغانستان را ترک نمیکند و اما این سیاست های تهدید آمیز یعنی کم کردن کمک ها و بیرون کشیدن عساکر و دیگر فشار مستقیم و غیر مستقیم فقط تا ماه نوامبر ادامه خواهد یافت و آنهم برای جلب نظر مردم امریکا و حمایت در انتخابات از ترامپ تا به مردم امریکا نشان دهد که او طولانی ترین جنگ امریکا را به نحوی به پایان رسانیده و موفق شده است صلح را در افغانستان بین جناح های درگیر برقرار نماید و به مردم بگوید که دیگر لزومی به موجودیت عساکر امریکا در آن کشور دیده نمیشود.

با این ترتیب ترامپ بوسیله خلیلزاد بازی ها چندگانه را از چند ماه به اینطرف رویدست گرفت؛ از یکطرف با طالبان یک موافقتنامه را امضا کرد که عملی شدن آن از همان آغاز به اصطلاح به شاخ آهو بند بود و برای تطبیق آن حکومت افغانستان و مخصوصاً اشرف غنی را تحت فشار قرار داد و حتی اعلام نتایج انتخابات را تابع آن ساخت و جنجال بین غنی و عبدالله را سخت دامن زد تا غنی را وادار به قبول شرایط امریکا بسازد و آنچه را با طالبان موافقه کرده بود، بالای دولت افغانستان تحمیل کند. چون این فشار کارگر نیفتاد، قطع کمک را اعلام کرد و سپس موضوع حکومت همه شمول را مطرح کردو بر آن پافشاری دارد که نتیجه آن تجدید حکومت دو سره و یا احتمالاً سه سره خواهد بود. رهائی 5000 طالب و قبولی شرایط طالبان و تضعیف موقف حکومت افغانستان در مذاکره با طالبان، دامن زدن اختلافات بین جناح های سیاسی رقیب جزء این اقدامات است.

د پانو شمیره: له 5 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولۍ

اخيراً (ان بی سی) هدف دیگر آقای ترامپ را آشکار ساخت که میخواهد به نام صلح در افغانستان جایزه صلح نوبل را حاصل کند. اما پیشرفت کووید - 19 چرخ اینکارها را عاطل ساخت و حتی موضوع صلح را از اجندای ترامپ جبراً به حاشیه برد و گمان نمیرود که نتیجه این دامهای عیان و نهان در قضیه افغانستان طوریکه به فوریت در نظر بود، بالای انتخابات ماه نوامبر امریکا بسیار اثر کند. اشرف غنی هم میداند که چگونه به دلیل شیوع کرونا و دلایل دیگر به موضوع صلح با طالبان طوری تا چند ماه تال و طول دهد که این هدف برآورده نشود. گمان میرود که در انتخابات پیشرو چانس ترامپ کم و احتمالاً نوبت به دموکراتها در قصر سفید خواهد رسید. آنوقت ممکن است سیاست امریکا در قبال افغانستان تغییر کند. اگرچه در صورت موفقیت بایدن نباید در موضوع افغانستان تغییر بسیار عمده را توقع داشت، ولی اقلماً ممکن است قدری ملایمتر از دوره فعلی باشد. توصیه به اشرف غنی اینست که باید به همین شیوه به موقف فعلی خود ادامه دهد و از روش امروز و فردا کار گیرد و تسلیم خواهشات دیگران نشود و از تهدیدهای جناح رقیب نترسد و برطبق قانون اساسی عمل کند.

### فیسبوک، 7 اپریل 2020 از این قلم:

عجب دنیای است که خودخواهیها و شهرت طلبیهای یک شخصی تا حدی بالا میرود که برای رسیدن به آن هدف اگر با سرنوشت یک ملت بازی شود، پروا ندارد. ان بی سی. اخیراً از رازی پرده برداشته است که تمام تلاشهای اداره موجود امریکا در راه اندازی مذاکرات با طالبان و در نتیجه امضای موافقتنامه با آنها که بتاریخ 29 فیبروری امضا شد، هدف دیگر نداشت، مگر آنکه زیر نام صلح در افغانستان کسب شهرت برای آقای رئیس جمهور ترامپ بار آید تا بدانسلیه موفق به دریافت جایزه نوبل صلح گردد. او از مدت یک سال بدینسو خلیل زاد را مامور مذاکره با طالبان ساخت و از طریق او بر حکومت افغانستان به خصوص بر اشرف غنی رئیس جمهور متواتر فشارهای جدی از هر طرف وارد کرد تا با شرایط مندرج موافقتنامه امریکا با طالبان گردن نهد و هرگاه او موافقه نکند رقیب او داکتر عبدالله را در برابرش در موضوع ریاست جمهوری تقویه خواهد کرد. وقتی اشرف غنی از اطاعت خلیل زاد سر باز زد، فشارها توسط آقای پمپئو وزیر خارجه امریکا شدت گرفت، تا حدیکه او با تقلیل کمک یک میلیارد دالر، دولت افغانستان را تهدید کرد و چون باز هم اینکار نتیجه نداد، در این روزها خانم آلیس ویلز معاون وزارت خارجه امریکا بر شدت تهدیدها افزود. اوضاع بحرانی افغانستان که حالا از سه کرونا به شدت رنج می برد، کرونای "کووید - 19"، کرونای - طالبان، کرونای - فشارهای وارده از جانب امریکا و بازی خطیر آنها در دو نقش در افغانستان که هریک این کروناها به معضله جدی در کشور جنگزده و مردم بیچاره آن مبدل شده است. این فشارها اگر بر سنگ وارد شود، دو پارچه میشود، ولی صد آفرین بر رئیس جمهور غنی که با درایت و حوصله در برابر آن به نفع مردم خود مقاومت میکند. امید است مردم افغانستان نگذارند که با این فشارها دولت افغانستان تسلیم خواسته های طالبان شود و سراطاعت به تهدیدهای وارده از جانب امریکا بگذارد.

عجیب آنست که تا حال همه از هدف بازیهای دو گانه امریکا در معامله با طالبان و فشارهای امریکا بر افغانستان از این صحبت میکردند که گویا رئیس جمهور ترامپ برای موفقیت خود در انتخابات میکوشد موضوع صلح در افغانستان را وسیله سازد، اما اکنون هدف دیگر ترامپ که بسیار شخصی است یعنی اخذ جایزه نوبل صلح نیز آشکار گردید و توجه رسانه ها را به خود جلب کرد. صلح با این افتضاح را که به قیمت تمام دست آورد های 18 ساله امریکا در افغانستان با مصرف

د پانو شمیره: له 6 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

میلیاردها دلار و به خون بیش از 3000 جوان امریکائی بدست آمده بود، به یکبارگی قربان آرزوی های شخصی کردن و از همه مهمتر بازی کردن باسرنوشت یک کشور و یک ملت را که برنده شدن امریکا را در جنگ سرد موجب گردید ، آیا میتوان آنرا صلح واقعی و دوامدار نامید که از آن به دریافت بزرگتری جایزه صلح جهان نایل آمد؟

خدا سیاسیون امریکا را انصاف دهد این همه مشکلات را عمداً خلیزاد بار آورده و اکنون که خودش با ناکامی مواجه شده است، پای وزیر خارجه آقای پمپئو را پیش کشیده و دیروز معاون وزارت خارجه امریکا بار دیگر گفت که باید حکومت همه شمول تشکیل شود، ورنه آنها کمک های خود را کم میکنند. مقصد آنها از تشکیل حکومت همه شمول یعنی برای عبدالله و اعضای تیم او یک موقف رسمی در حکومت غنی داده شود تا امریکائی ها با سیاست همیشگی خود یعنی ایجاد و تقویه دو مرکز قدرت در واقع سیاست "تفرقه بینداز و حکومت کن" را به شیوه جدید آن برای رسیدن به اهداف خود در افغانستان پیش ببرند. آیا تحت این شرایط میتوان سیاست موجود سیاسیون امریکا را یک سیاست دوستانه با مردم افغانستان دانست، بخصوص که آنها میکوشند تجربه ناکام حکومت دوسره گذشته را اکنون به حکومت سه سره تبدیل نمایند. بدا به حال افغانستان با این سرنوشتی که از طرف گویا دوستان بر آن تحمیل میگردد!

### فیسبوک، 5 اپریل 2020 از این قلم:

(درارتباط به مقاله منتشره بی بی سی تحت عنوان: "آینده افغانستان چه خواهد شد؟ سه سناریو ملموس تر!"، نوشته محمد احمدی) در این مقاله تحلیلی سؤال اینست که آینده افغانستان چه خواهد شد و جواب آن را نویسنده مقاله به سه سناریوی محتمل پیشبینی کرده است: 1 - توافق بین غنی و عبدالله و مذاکره با طالبان، 2 - طالبان با خروج قوای امریکائی در افغانستان مسلط خواهند شد، 3 - تقسیم افغانستان به شمال و جنوب.

تا جائیکه دیده میشود، وقوع هریک از این سه احتمال بطور ملموس موجب مصیبت های بزرگ برای کشور میشود. سناریوی دوم و سوم برپادی افغانستان را به دنبال خواهد داشت و احتمال وقوع آن نیز کم است و سناریوی اول که فعلاً رویدست می باشد یعنی وارد کردن فشار مبنی بر تشکیل یک اداره مشترک بین غنی و عبدالله با تقسیم رسمی مناصف قدرت زیر نام حکومت همه شمول که این نام فریبنده بذات خود معنی متلاشی شدن قدرت دولت را در دست جناح های معلوم الحال غیر متجانس و قدرت طلب بر مبنای قوم، زبان و مذهب معنی میدهد. به عبارت دیگر با تشکیل همچو حکومت "گاو، شتر، پلنگ" نظم و ثبات لازم برای یک دولت از هم می پاشد و قدرت دولت در دست اشخاص و حلفات غیر متجانس سیاسی تقسیم میگردد، آنهم به شکل که هر وزارت و یا اورگان دولتی تحت اداره و نظر یک گروپ مشخص در آمده و هریک به حیث یک دولت مستقل در داخل یک دولت مبدل میشوند. در این حالت کشمکش قدرت به مثابه ریسمان کشی های سیاسی نظم و ثبات را در داخل کشور برهم می زند. ما نمونه آنرا در پنج سال گذشته به شکل خفیف آن یعنی حکومت "دوسره" دیدیم. اینبار اگر حکومت به "سه سره" تبدیل شود، آنوقت معادله دو مجهول به معادله سه مجهوله مبدل خواهد شد که حل آن عملاً بسیار دشوار و حتی ناممکن خواهد بود و عواقب آن کمتر از دو سناریوی دیگر نمیباشد.

راه حل معقول و بیشتر عملی و امید بخش برای آینده افغانستان همانا راه حل معمول در جهان است یعنی اتکاء به نتایج اعلان شده از طرف کمیسیون انتخابات و شناخت اشرف غنی به حیث رئیس جمهور قانونی کشور و با رعایت قانون اساسی نافذ کشور سپردن صلاحیت های مندرجه قانون

اساسی به او و جلب همکاری و اشتراک بعضی از شخصیت های سیاسی در تفاهم با پالیسی های مطروحه دولت و از اینطریق ایجاد یک دولت ذیصلاح در امور جاریه کشور، بخصوص در مذاکره با جانب طالبان با یک موقف قوی که طالبان را آماده به قبول خطوط سرخ خود ساخته بتواند . برای رسیدن به این هدف لازم است تا:

1 - تیم ثبات و همگرایی با در نظر داشت منافع ملی تا جای ممکن با دولت همکار شود، نه به شکل حکومت "دوسره" بلکه با تفاهم با پالیسی مطروحه دولت از جانب رئیس جمهور؛

2 - مردم بطور کل در حمایت از این راه حل به حمایت مزید از دولت اقدام نمایند و بر قوت های رقیب فشار بیاورند تا به با دولت همکار شوند؛

3 - مراجع بین المللی بکوشند رقبای قدرت را به تفاهم بر مبنای مصالح همگانی و بر طبق قانون اساسی کشور متقاعد سازند و از آوردن فشار و تهدید ها در راه ایجاد یک حکومت دو سره که عواقب ناهنجار برای افغانستان و منطقه خواهد داشت، اجتناب نمایند، زیرا ایجاد حکومت دوسره و ادامه کشمکش های قدرت در داخل موجب مداخله مزید کشورهای ذیعلاقه در امور افغانستان میگردد و این تضاد منافع خارجی بخصوص همسایگان میتواند به سهولت افغانستان را بار دیگر به یک مرکز بحران زا برای منطقه و حتی بین قدرت های رقیب مبدل سازد که در نهایت منجر به یک افغانستان بی ثبات و مبدل بیک مرکز جدید تروریسم خواهد ساخت.

امریکا همه فشارها را بر دولت افغانستان وارد کرده تا به نحوی مطلوب آنها وارد مذاکره با طالبان شوند و اما در مورد گروه طالبان که با امریکا از مدت پیش از یک سال به تماس بوده و در نهایت منجر به امضای موافقتنامه با آنها شده است، چشم به زیر انداخته و هیچگاه از آنها نپرسیده است که این اشخاص چگونه از مردم افغانستان، از اقوام افغانستان و از نصف نفوس کشور یعنی زنان نمایندگی میکنند و حتی نمایندگی آنها از قشر دینی - مذهبی زیر سؤال قرار دارد. کسانیکه با امریکا موافقتنامه نام نهاد را امضاء کرده اند، فقط یک گروه خود ساخته هستند که مورد تائید علمای دینی افغانستان قرار ندارند. نمیدانم با فقدان مشخصات نمایندگی، آنها با کدام حق مدعی اند که حتی با دولت مشروع افغانستان و هیئت 21 نفری آن حاضر به مذاکره نیستند و ادعا دارند که در این هیئت "بزرگان" وجود ندارند. نمیدانم مقصد آنها از "بزرگان" کی ها میباشند؟ واضح است که بزرگان یعنی کسانیکه در دسترخوان ای اس آی بزرگ شده و هنوز جیره خور آنها میباشند و طالبان میخوانند با همین کسان مذاکره نمایند که روزی رسان شان مثل طالبان همان یک مرجع معلوم الحال باشد. این گزارش را بخوانید و در باره محتوای آن دقیقاً فکر کنید و تأسف به حال خلیلزاد بخورید که چگونه موضوع صلح، این نیاز حیاتی مردم افغانستان را به ابتدال کشانیده است و چگونه سیاسیون امریکا سر به زیر انداخته و چشم های خود را از دیدن آن می بندند؟

### فیسبوک، 29 مارچ 2020 از این قلم (به جواب یک سوال):

چند روز قبل ضمن یک تبصره دیگر درباره مذاکرات صلح با طالبان و موافقتنامه آنها با امریکا و بازی دوگانه امریکا در این موضوع نوشتم که این مذاکرات به نتیجه نمیرسد، ولو با کفایت ترین شخصیت ها در جمله هیئت شامل باشند، زیرا مرغ طالبان یک لنگ دارد و امریکا نیز موضوع را با آنها، نه به هدف صلح، بلکه برای بهره برداری از آن در انتخابات ریاست جمهوری جاری در اینجا رویدست گرفته است. امریکا هم میداند که اینکار به نتیجه نمیرسد و از اینطریق صلح پایدار در کشور تأمین نمیشود، اما با راه اندازی این نوع دغدغه ها روز گذرانی میکند البته تا معلوم شدن نتایج

د پانو شمیره: له 8 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی



انتخابات. مذاکرات صلح وقتی به نتیجه میرسد که هر دو طرف آماده بیک داد و گرفت معقول و عملی باشند. سر زوری و پافشاری یک طرف موجب مصالحه واقعی نمیگردد و صلح ناشی از آن تسلیم شدن یک جانب به جانب دیگر را معنی خواهد داشت. بعضی ها اکنون فشارهای وارده امریکا بر حکومت کابل را چنین تعبیر میکنند که گویا امریکا میخواهد طالبان را بقدرت برساند و با بدون محدودیت شامل قدرت در افغانستان بسازد و یا یک نظام "سه سره" را به وجود آورد. به نظرم این تعبیر و تفسیر واقعی نخواهد بود، امریکا از حکومت دوسره در افغانستان چه دید که اکنون آنرا سه سره بسازد. اما این روش و این بازی را فقط تا ماه نوامبر ادامه خواهد داد و بعد از آن دیده شود که چه تغییری در امریکا پدید خواهد آمد که اگر اوضاع به همین منوال باقی ماند که خدا نکند، شاید ترامپ با یک بهانه کوچک بار دیگر بر طالبان خرده گیرد و همه چیز را برهم زند و یا اینکه اگر کسی دیگر در اینجا به قدرت رسید، آنوقت دیده شود که اداره جدید چه راه را در پیش خواهد گرفت. این همه هیاهو که تا اکنون براه افتاده است، فقط مؤقتی میباشد و بازی با وقت است. مشکل اساسی در این بازی دوگانه در خود امریکا است که سیاسیون سر اقتدار آن با نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری راه را گم کرده و با شعار خروج قوای خود از افغانستان به آسیای ایران و پاکستان آب می ریزند. بازی های امریکا در منطقه شباهت به غریقی دارد که به هر طرف دست و پا میزند. در این حال پاکستان میکوشد با یک دست تخته چوبی را گویا به مقصد نجات بدست شان دهد و یک عده طالبان را با آنها همکار سازد و اما با دست دیگر عده دیگر طالبان را همچنان در ضدیت با امریکا تقویه و حمایت کند. حیف این کشور بزرگ دنیا و مردم دلسوز و پاکباز آن که در راس خود کسانی را می گمارند که با حیثیت این کشور آگاه و یا نا آگاه بازی میکنند. اداره موجود این کشور فقط یک قدم پیش پای خود را می بیند و از دور اندیشی فارغ است و با بازی های سیاسی کوتاه نظرانه موجب آزردهی خاطر یک ملت غیور و با شهامت میشود که در جنگ سرد امریکا را برنده میدان ساخت. متأسفانه مردم افغانستان امروز آن خوشبینی را که چند سال قبل به امریکا داشتند، اکنون ندارند و حتی نقش خلیل زاد و حمایت از طالب و بالا بردن این گروه متحجر و ویرانگر به سطح یک دولت و پایان آوردن موقف دولت مشروع افغانستان به سطح یک گروه، موجب گردیده که ملت افغانستان از این اقدامات امریکا شدیداً منزجر گردند و سیاسیون ناعاقبت اندیش امریکا با اینکارها تمام دست آوردهای خود را در افغانستان از جمله مصرف میلیارد ها دالر و جان باختن 3500 جوان آن کشور را در حال به هدر دادن هستند و با سیاست های "یک بام و دو هوای" خود به یقین که همه امیدها را ضرب صفر میکنند و یک ملت را در مجموع بر ضد خود تحریک و بدبین می سازند. هنوز هم دیر نشده است، سیاسیون امریکا باید بر موقف خود در افغانستان تجدید نظر نمایند و با تهدید و فشار بی مورد دولت افغانستان را تعجیز نکنند و موقف دشمنان ملت را تقویه ننمایند. افغانها قدر نیکی را میدانند و پاسدار دوستی میباشند، اما وقتی در مقابل دوستی خود دشمنی ببینند، آنوقت بدبینی شان شروع و تدریجاً به خصومت می انجامد. مثال های تاریخی در برابر انگلیس ها و شوروی ها هیچگاه از دل مردم افغانستان بیرون نمیشود. افغانستان برای امریکا یک منطقه با ارزش بوده و است؛ در طول سالهای دراز امریکا این کشور را مورد اغماض قرار داد و نتیجه آنرا دید و اما حالا باید از تجارب گذشته خود در مورد این سرزمین پند بگیرد و از بازی های دو گانه دوری جوید و نخواهد بار دیگر این کشور را لانه تروریستی تبدیل کند.

(این بود تبصره های اینجانب طی چند روز گذشته در فیسبوک)